

## ● نقد و معرفی کتاب

# بررسی زمینه‌های نظری و تاریخی هم‌گرایی و

## واگرایی در فدراسیون روسیه

الله کولایی، بررسی زمینه‌های نظری و تاریخی هم‌گرایی و واگرایی در فدراسیون روسیه، همکاران محمدتقی دلفروز، رسول افضل‌ی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱)، ۲۵۳ صفحه.

دادند.

هر چند دشمنان اتحاد شوروی در ایالات متحده، تخریب روابط قوی و ملی و به جوش آوردن دیگ هفت جوش ملیت‌ها را مورد توجه قرار دادند تا امپراطوری را نابود کنند روند تحولات نشان داد، اقتصاد بزرگ‌ترین چالش در دولت اتحاد شوروی است. به هر حال بازسازی اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی در کنار بازسازی سیاسی این کشور در زمان گورباچف (پروستریکا و گلاسنوست) این فرصت را فراهم آورد تا آرزوهای خفته یا سرکوب شده تاریخی مجال بروز بیابند و شرایط ناشی از تضعیف اقتدار مرکزی در اتحاد جماهیری شوروی سبب گردید رهبران جمهوری‌های عضو اتحاد نیز

در پی تحولات گسترده در کشور همسایه شمالی ایران که با پروستریکا و گلاسنوست گورباچف آشکار گردید، روند تغییر و تحول در حکومت اتحاد جماهیر شوروی تسریع شد. امپراطوری چند ملیتی اتحاد جماهیر شوروی که از دوران حاکمیت تزارها همواره با مسأله روابط ملیت‌ها به عنوان یک دشواری جدی مواجه بود، در آستانه فرایند جدیدی قرار گرفت. از هنگام تشکیل دولت جدید کمونیستی در این سرزمین، انتظار حل و فصل مسائل ملی مطرح بود و به نظر نویسندگان در برابر فشارهای درونی و بیرونی و دغدغه‌های حفظ یکپارچگی و امنیت کشور، ساختارهای کهنه در چارچوب جدید به حیات خود ادامه

یکی پس از دیگری مسأله استقلال و جدایی خود را مطرح سازند. این اعمال هم‌زمان با موقعیتی بود که روندهای هم‌گرایی در جامعه اروپایی براساس درک متقابل از منافع مشترک گسترش یافت و همچنان ادامه دارد. در این مقطع زمینه‌های هم‌گرایی در اتحاد شوروی سابق به طور روزافزون مورد نظر قرار می‌گرفت و شیوه اجبار اخیر تحقق و تداوم این یکپارچگی، نقش به‌سزایی در نفی این دست‌آوردها داشت و رهبران جمهوری‌های عضو اتحاد به ویژه پس از کودتای اوت جداسازی را تسریع کردند. آنچه در پایان سال ۱۹۹۱ با تشکیل جامعه کشورهای مشترک‌المنافع رخ داد، سبب دگرگونی‌های جدی در روابط میان جمهوری‌های عضو اتحاد شوروی گردید و پایان این امپراطوری را رقم زد. نکته قابل تأمل این است که فروپاشی اتحاد شوروی برای رهبران جدید فدراسیون روسیه با دغدغه ناشی از هراس تکرار سناریوی فروپاشی اتحاد شوروی همراه بود. رهبران جمهوری‌های خودمختار و استان‌ها در شرایط جدید و با استفاده از ضعف قدرت مرکزی بر گستره تقاضاهای استقلال طلبانه خود افزودند. وقوع جنگ قدرت در مسکو، نزاع‌های میان نیروهای مخالف رئیس‌جمهور در داخل پارلمان با وی (درگیری پارلمان و رئیس‌جمهور در زمان یلتسین) سبب تقویت این روند گردید. ایجاد

کمربند سرخ در پیرامون مسکو یکی از واقعه‌های دوران پس از فروپاشی بود. و نونمکلاتوری سابق با بهره‌گیری از فرصت‌های ایجاد شده در پی جایگاه و مزایای منطقه‌ای به تلاش پرداختند و با زمامداران دوران کمونیسم در سطح مناطق و پیرامون مسکو اقدامات زیادی را برای تحقق اهداف مذکور انجام دادند. در این مقطع اختلاف سطح توسعه، ظرفیت‌ها، توانائی‌ها، زندگی، میزان مرکزگرایی (نظیر اتفاقی که در چین افتاد) به مسائل فوق دامن می‌زد.

کتاب فوق شامل مقدمه‌ای کوتاه و رسا و سه فصل و نتیجه‌گیری می‌باشد.

فصل اول ۹ بخش است که به چارچوب نظری پرداخته می‌شود و شامل انواع حکومت‌ها براساس چگونگی تخصیص اقتدار می‌باشد. ایشان انواع حکومت (در این چشم‌انداز) را به حکومت‌های متمرکز، فدرال و کنفدرال تقسیم و آنها را مورد بررسی قرار دادند. در این بخش (بخش دوم) به انواع حکومت فدرال توجه شده که اصول بحث را تشکیل می‌دهد و مباحث جغرافیا، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امنیت برای تشکیل حکومت فدرال مورد بررسی قرار می‌گیرد. ایشان همچنین به اصول و سازوکارهای فدراسیون شامل جایگاه قوه قضائیه، حاکمیت، ادغام و جدایی و همیاری توجه کردند و عوامل محیطی در تحقق

دیکتاتوری استالین، دوره خروشچف، دوره رهبری جمعی برژنف و دوره اندروپف و گورباچف. در این دوران سه مرحله کم و بیش جنبه انفعالی داشتند و گرفتار نوسان‌ها و تحولات درونی بوده و این سه دوره شامل یک، سه و پنج می‌باشند و دو مرحله دیگر برعکس دارای ثبات نسبی بیشتر و انسجام افزون‌تری بوده‌اند، اما با وجود شباهت‌های فراوان از نظر اقتصادی و سیاسی باهم دارای اختلاف زیادی بوده‌اند.

در ادامه این فصل به عوامل فروپاشی توجه شد که شامل: عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، حقوقی (تا زمان آقای گورباچف تمام قوانین به سوی تمرکز گرایی بود ولی از سال ۱۹۸۸ نقطه آغازین تحولات حقوقی بود). در ادامه فصل به پروستریکا، گلاسنوست، اصلاحات حقوقی و تأثیرات آن بر فروپاشی توجه می‌شود.

فصل سوم معمای هم‌گرایی و واگرایی در فدراسیون روسیه، پس از فروپاشی اتحاد شوروی، احتمال واگرایی در فدراسیون روسیه، موضوع بسیاری از بحث‌ها و تحلیل‌های سیاسی سال‌های اخیر شد. وقوع قتل‌های خونین در قفقاز شمالی میان استقلال طلبان و نیروهای روس، تحولات جدایی طلبانه جمهوری چچن، باشقیرستان، داغستان و تاتارستان و همچنین برخی استان‌ها مانند

فدرالیسم (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، جغرافیایی و جمعیتی) مورد نظر قرار گرفت.

فصل دوم، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، علل و ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفت. دولت اتحاد شوروی به لحاظ شرایط داخلی، به‌رغم ادعاهای خود در انقلاب اکتبر، نتوانست به بسیاری از آنها جامه عمل بپوشاند. اختلافات، امتیازات طبقاتی، استثمار و بهره‌برداری از کار انسان‌ها، زورگویی و خشونت، انحصار طلبی و توسعه طلبی در کنار این عوامل فساد که از ادوار گذشته برجای مانده بود و فقط شکل آن عوض شده بود باعث گردید این امپراطوری دچار فروپاشی شود. در این فصل به بررسی علل فروپاشی اتحاد شوروی پرداخته شد که با مقایسه تطبیقی بین اتحاد شوروی و فدراسیون روسیه می‌تواند در پیش‌بینی تحولات آینده مفید باشد. به علاوه متغیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، نظامی و خارجی به عنوان مهم‌ترین تأثیرگذار بر وضعیت ثبات و تجزیه فدراسیون‌ها مورد توجه قرار گرفت.

وضعیت اتحاد شوروی قبل و بعد از روی کار آمدن آقای گورباچف مورد بررسی قرار گرفت و به آن پرداخته شد. در این فصل پنج مرحله در اتحاد شوروی و ویژگی‌های خاص آن مورد توجه بود: دوره قبل از استالین، دوره

قره‌چای چرکیس، کاباردینوبالکار و ادیغه، روسیه را در بحران عظیمی فرو می‌برد و به‌رغم ادعای کنترل مرکز بر جمهوری‌ها، مناطق بی‌ثبات خطرناکی در سراسر روسیه وجود داشت.

در این فصل به علاوه، ویژگی‌های نظام فدراتیو روسیه شامل جغرافیا، جمعیت، ویژگی اقتصادی، تحولات سیاسی در سال‌های اخیر و عناصر واگرایی و چگونگی شرایط آن مورد توجه قرار گرفته و به تحولات در دوره ریاست جمهوری یلتسین با خصوصیات خاص خود (ارتباط با مناطق، پیمان‌های دوجانبه، بحران اقتصادی مخصوصاً در سال ۱۹۹۸، مشکلات اقتصادی مردم، الیگارش‌ی مخصوص و نقش به اصطلاح خانواده، منطلق رفتاری واحدهای فدرال، شاخص‌های عملیات جدائی‌طلبانه که به وسیله تحولات انجام شده تبیین شده است) پرداخته می‌شود که اطلاعات بسیار خوبی از وضعیت آن دوره (دوران یلتسین) را به خواننده می‌دهد. سپس به دوران تصدی پوتین پرداخته می‌شود. در این دوران اولویت‌ها، تغییرات در تمامی ارکان دولت، روابط با الیگارش‌ی، روابط مرکز و مناطق و تضعیف روحیه واگرایی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این زمان ما شاهد تغییر در تفکر مردم کل فدراسیون و سیاست‌مداران مناطق روسیه که شواهدی عینی آورده شده است. در این فصل بحث مستقلی راجع به

چپن وجود دارد با توجه به ویژگی‌های خاص ارتباطی با مرکز که پیمان فدرال را امضاء نکرده، هیچ‌گونه پیمان دوجانبه‌ای را با مرکز نبسته بود، احساس ملی روحيات تاریخی، هویت، عدم توسعه اقتصادی گسترده و جنگ‌های تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است.

آنچه حایز اهمیت است این که در دوره آقای پوتین ما شاهد تغییر در کیفیت همگرایی و واگرایی در فدراسیون روسیه هستیم که سیستم فردی می‌باشد و کیفیت آن (هم‌گرایی و واگرایی) تابعی از زمامداران است. آقای پوتین در تبیین این نظر می‌گوید "برای شهروندان روسی وجود یک دولت مقتدر، یک پدیده غیرطبیعی که باید با آن مبارزه کرد نیست بلکه (این دولت) منبع و ضامن و مبتکر و نیروی محرکه همه تحولات است". با در نظر گرفتن مطالب ارایه شده که نمائی از روسیه فعلی و گذشته را می‌دهد واگرایی در فدراسیون روسیه با توجه به زمامداران فعلی و سیستمی که عرضه کرده‌اند بسیار ضعیف می‌باشد (به عبارت دیگر واگرایی ضعیف شده) و گرایشات تمرکز گرایانه در روسیه قوی‌تر می‌باشد و کمتر مباحث واگرایی مورد توجه قرار می‌گیرد و اینگونه می‌توان برداشت کرد که این تحول قائم به فرد رئیس دولت است و سیستم در اختیار تفکرات رئیس سیستم است. رضا رضایپناه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز